

گزارش

بیش از ۸۰ شهید در حمله زیردریایی آمریکا به ناو «دنا»:

ملوانانی که به خانه بازنگشتند

شرق: جنگ این بار چهره‌ای دگرگون به خود گرفت؛ نه در آسمان، نه در خشکی، بلکه در اعماق آب‌های نیلگون اقیانوس هند. جایی که ناوچه «دنا»، یسازگار نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، پس از پایان یک ماموریت صلح‌آمیز و شرکت در رزمایش بین‌المللی میلان ۲۰۲۶ هند، در آب‌های بین‌المللی و در نزدیکی سواحل سریلانکا، هدف حمله یک زیردریایی آمریکایی قرار گرفت و به کام اژدرها فرورفت. این فاجعه، فراتر از یک عملیات نظامی، یک «تور دریايي» تمام‌عیار بود که مرزهای حقوق بین‌الملل را درنوردید و معادلات امنیتی منطقه را دستخوش تحولی بنیادین کرد.

از رژه در هند تا شهادت در غربت

رویتزر و منابع محلی سریلانکا تصویری دلخراش از این حادثه ترسیم کرده‌اند. ناوچه دنا (IRIS Dena) در حدود ۴۰ مایل دریایی از بندر کاله، بی‌اتکه هشداری دریافت کند، هدف اژدرهای زیردریایی آمریکا قرار گرفت. آنچه این فاجعه را به جنایت بی‌سابقه تبدیل می‌کند، وضعیت کاملا صلح‌آمیز این شناور بود. دنا در حال بازگشت از رزمایش دوستانه در هند بود و بنا بر اذعان مقامات هندی، تسلیحات آن نیز در حالت عملیاتی قرار نداشت. خدمه این ناو، ساعاتی پیش از این حادثه، در برابر رئیس‌جمهور هند رژه رفته بودند.

آمار قربانیان این جنایت دریایی

بیش از ۸۰ نفر از ملوانان شهید شدند و فقط ۳۲ نفر از خدمه توسط نیروهای امدادی سریلانکا نجات یافته و به بیمارستان منتقل شده‌اند. سرنوشت سایر سرنشینان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

این نخستین بار از سال ۱۹۵۴ میلادی است که نیروی دریایی آمریکا از اژدرهای زیردریایی برای غرق یک کشتی جنگی استفاده می‌کند؛ اقدامی که از ورود واشنگتن به ورطه «ترویسم دولتی» حکایت دارد.

روایت هند از خیانت آمریکا

شاید تأثیرانگیزترین و در عین حال پرمعناترین واکنش، از سوی مقامات هندی رقم خورده که مربوط به وزیر خارجه سابق هند در شبکه اجتماعی ایکس است که با بیانی دردناک نوشت: «کشتی ایرانی به این وضعیت دچار نمی‌شد اگر ما دعوتشان نکرده بودیم. به ما گفته شده ناوهایی که در این ناو‌ها شرکت می‌کنند مسلح نیستند. پرسنل کشتی مقابل رئیس‌جمهوری ما رژه رفتند. حمله آمریکا برنامه‌ریزی شده بود».

این اظهارات، سنا واقعبیت تلخ را فاش کرد:

نخست اینکه هند در وضعیت جنگی نبود و غافلگیر شد. دوم هم اینکه آمریکا با آگاهی کامل از بی‌دفاع بودن ناو، اقدام به ترور سرنشینان آن کرد. در نهایت باید گفت حمله به میهمان هندی، بزرگ‌ترین خدشه به حیثیت منطقه‌ای دهلی نو بود. سینگ، تحلیلگر دانشگاه ییل، این رویداد را «حمله عظیم به اعتبار منطقه‌ای دهلی» توصیف کرده است. هند که اقیانوس هند را حیاط خلوت خود می‌داند، اکنون در برابر این پرسش تاریخی قرار گرفته که ضامن امنیت میهمانانش کیست؟

پیامدهایی که جهان را تکان داد

حادثه دنا را باید در چارچوب تحولات عمیق ژئوپلیتیک تحلیل کرد. نخست اینکه آمریکا با این حمله، به‌صراحت به کنوانسیون‌های بین‌المللی دریانوردی پشت پا زد. حمله به یک شناور نظامی در آب‌های بین‌المللی که هیچ تهدید فوری ایجاد نکرده، مصداق بارز «زدی دریایی دولتی» و نقض حاکمیت کشورهاست. این اقدام، عملاً امنیت کشتیرانی در سراسر جهان را نشانه رفت.

این حمله در امتداد افشای طرح ترور رهبر انقلاب، نشان می‌دهد راهبرد آمریکا از «جنگ نیابتی» به سمت «حذف فیزیکی» و «ترویسیم دولتی» تغییر مسیر داده است؛ نقطه‌عطفی خطرناک که نظم شکننده جهانی را به چالش می‌کشد. در این بین دهلی نو در تنگنایی راهبردی گرفتار شده است. از یک سو، آزادی کشتیرانی و امنیت مسیرهای انرژی برایش حیاتی است و از سوی دیگر، متحد سنتی‌اش (آمریکا) این امنیت را نقض کرده است. اگر هند نتواند از میهمانان خود محافظت کند، رؤیای تبدیل‌شدن به یک قدرت بزرگ دریایی برای همیشه نقش بر آب خواهد شد.

ایران: از سوگ تا پاسخی پشیمان‌کننده

وزیر خارجه ایران در واکنش به این جنایت نوشت: «ناوچه «دنا»، میهمان نیروی دریایی هند و حامل تقریباً ۱۳۰ خدمه، در آب‌های بین‌المللی و بدون هشدار، هدف قرار گرفت. قواهیید دید: ایالات متحده از این سابقه‌ای که ایجاد کرد، به‌شدت پشیمان خواهد شد».

این پیام، کلیدواژه راهبرد آینده ایران را مشخص کرد: «پشیمانی».

سعدید خטיب‌زاده، رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی نیز در گفت‌وگو با رسانه‌های هندی تأکید کرد: «غرق‌شدن یک ناو ایرانی که در حال بازگشت از یک ماموریت بود، بسیار تاسف‌بار و واقعا حادثه‌ای ناگوار است. آن شناور به دعوت دوستان هندی برای شرکت در یک رزمایش بین‌المللی در آنجا حضور داشت. غرق‌شدن ناو ایرانی نمی‌تواند بدون پاسخ و بدون مسئولیت برای عوامل آن باقی بماند».

واکنش رسمی ارتش: انتقام می‌گیریم

ارتش جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای ضمن محکومیت این جنایت، تأکید کرد: «حمله ناچوانمردانه به ناو دنا در حدود ۲۰۰۰ مایل دورتر از میدان جنگ و به‌شهادت‌رساندن دانشجویان جوانی که در ماموریت آموزشی و در حال بازگشت از رزمایش میلان ۲۰۲۶ بود، نشان داد که استکبار جهانی، تابع هیچ‌یک از قواعد بین‌المللی نیست».

در این بیانیه آمده است: «نیروی دریایی آمریکا، در این تهاجم وحشیانه و غیرانسانی، در صدها مایل دورتر از منطقه جنگ، بدون اخطار قبلی، بار دیگر قواعد عرفی و حقوق بشردوستانه و مقررات دریانوردی بین‌المللی را زیر پا گذاشت. شهادت سرخ آن جوانان عزیز و سفیران ایران، اراده ملت بزرگ و رزمندگان اسلام را برای انتقام خون پاک هم‌زمان خود قوی‌تر می‌سازد. رزمندگان دل‌آور ارتش هم‌قسم با هم و مصمم‌تر از گذشته به یاری خداوند متعال، دشمنان آمریکایی صهیونی را پشیمان خواهند کرد».

فاجعه دنا، ایران را در برابر معادله‌های دشوار اما روشن قرار داده است. هرگونه واکنش، باید با محاسبه دقیق هزینه‌های راهبردی همراه باشد؛ چه در عرصه حقوقی بین‌المللی و چه در میدان عمل. آنچه رخ داد، یک اشتباه تاکتیکی نبود، بلکه آزمونی برای سنجش اراده ایران در پاسخ به نقض فاحش حاکمیت ملی و امنیت انسانی بود. دشمن با این جنایت، قواعد بازی را به هم ریخت تا شاید ایران را به واکنشی شتاب‌زده و پرهزینه وادارد. اما درس تاریخ آن است که پاسخ هوشمندانه، پاسخی است که ابتکار عمل را حفظ و دشمن را در محاسباتش دچار خطای مضاعف کند. ایران اکنون می‌تواند این حادثه را به نقطه‌ضعفی برای آمریکا بدل کند؛ با بین‌المللی‌کردن جنایت، کنشاندن پرونده به مجامع حقوقی و مهم‌تر از آن، بازتعریف امنیت دریایی در اقیانوس هند به‌گونه‌ای که دیگر هیچ کشتی جنگی آمریکایی در این آب‌ها احساس امنیت نکند. پاسخ ایران، لزوما در زمان و مکان مورد انتظار دشمن نخواهد بود، اما قطعا پشیمانی از این سابقه شوم را برای واشنگتن به ارمغان خواهد آورد.

«شرق» در گفت‌وگو با احسان هوشمند پژوهشگر مطالعات قومی، تحرکات تجزیه‌طلبان کرد

را بررسی می‌کند

پیاده‌نظام واشنگتن

شرق: در یک هفته گذشته و هم‌زمان با اوج‌گیری تنش‌ها میان ایران و آمریکا، خبر تشکیل ائتلافی از احزاب و سازمان‌های مسلح کرد ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق، توجه تحلیلگران و ناظران منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. برش اساسی آن است که آیا این ائتلاف که با گردهمایی پنج سازمان مسلح و سپس پیوستن کومله مهتدی به آن شکل گرفت، هم‌زمانی صرف با حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران داشته یا طرحی از پیش ریخته برای بهره‌برداری از شرایط بحرانی کنونی است؟ برای واکاوی ابعاد این ائتلاف، انگیزه‌های شکل‌گیری آن، نقش آمریکا و اسرائیل در هدایت یا حمایت از این جریان‌ها و پیامدهای احتمالی آن برای امنیت مناطق کردنشین و تمامیت ارضی ایران، با احسان هوشمند، پژوهشگر مطالعات قومی، به گفت‌وگو نشستیم.

ک در هفته‌های گذشته برخی از احزاب و سازمان‌های مسلح کرد ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق ائتلافی را تشکیل دادند. آیا هم‌زمانی این ائتلاف با حملات آمریکا و اسرائیل به ایران تصادفی است؟

از اواخر دهه ۸۰ مسیحی یعنی بیش از سه‌ونیم دهه پیش، از زمانی که آمریکا برای نخستین بار در سال ۱۹۸۸ به دلیل سقوط هوایمای لاکربی به لیبی حمله کرد و برخی احزاب مسلح کردستان از آمریکا درخواست کردند در ایران دخالت مستقیم نظامی کند و ایران را مانند لیبی مورد حمله مستقیم نظامی قرار دهد تا امروز، این دست از احزاب تحقّق رقیباهای خود درباره ایران را از طریق حمله عامل خارجی تعقیب می‌کنند و بارها از آمریکا و اسرائیل درخواست حمله و جنگ کرده‌اند و در این دوره چندده‌ساله همواره آمادگی خود برای همکاری با اسرائیل را به صورت علنی در رسانه‌ها منتشر کرده‌اند.

در ماه‌های گذشته میزان تنش میان آمریکا و اسرائیل با ایران به شکل درخور توجهی افزایش پیدا کرده و در این شرایط تحلیلی و ارزیابی این احزاب به این جمع‌بندی رسیده که احتمال دارد میان ایران با آمریکا و اسرائیل دوباره جنگی روی دهد. بنابراین با ائتلاف پنج سازمان مسلح مستقر در اقلیم کردستان و اضافه‌شدن کومله مهتدی در روزهای بعد به آن، این پیام به شهروندان ایرانی و نیروهای مؤثر در معادلات منطقه‌ای داده شد که این سازمان‌ها آماده فعالیت مسلحانه و نظامی در نقش پیاده‌نظام آمریکا و اسرائیل در درون ایران هستند. اما اینکه این ائتلاف با هدایت و برنامه دولت و سازمان‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل سازمان‌دهی شده یا خیر، با قطعیت نمی‌توان سخن گفت. از سویی شواهدی هست که مؤید نقش آمریکا و اسرائیل در این‌باره است و البته شواهدی هم هست که آمریکا در این بازه زمانی نمی‌خواهد بر آشوب و آشفتگی در منطقه افزوده شود. اما چه با برنامه طرف آمریکایی و اسرائیلی این ائتلاف انجام شده باشد و چه بدون نقش مستقیم آنان، نتیجه این ائتلاف در شرایط موجود جنگی به نفع آمریکا و اسرائیل است؛ چون توجه بخشی از نیروهای مسلح ایرانی را به خود جلب کرده است و به‌جای اینکه نیروی مسلح در ایران فقط متوجه حملات آمریکا و اسرائیل و مقابله با آن باشد، نظری از توجه خود را در این شرایط حساس متوجه احتمال حضور احزاب مسلح کرد ایرانی کرده‌اند. البته این وضعیت برای حال حاضر صدق می‌کند و در آینده ممکن است شرایط به گونه‌ای دیگر رقم بخورد.

ک درباره دلایلی که اشاره داشتید، هم نشانگر نقش آمریکا و اسرائیل در این ائتلاف است و هم بالعکس، اینجا این پرسش مطرح می‌شود که در روزهای اخیر گزارش‌هایی درباره تماس دونالد ترامپ با برخی رؤسای احزاب کرد منتشر شده است. برخی روایت‌ها حاکی از همراهی رئیس‌جمهور آمریکا با اقدام مسلحانه این احزاب است و روایت‌هایی نیز از تلاش سی‌آی‌ای و نیز اسرائیل برای تحریک یا تجهیز این گروه‌ها سخن می‌گوید. ارزیابی شما از این روایت‌ها چیست و کدام‌یک را به واقعیت نزدیک‌تر می‌دانید؟

اگر ترامپ شخصاً با رهبران احزاب و سازمان‌هایی صحبت کرده باشد، این موضوع خیلی معنادار است. روزهای گذشته هم ترامپ به صورت صریح از ورود سازمان‌های مسلح کردستانی به جنگ با ایران استقبال کرده بود. درباره گفت‌وگو و تماس احتمالی ترامپ با این سازمان‌ها و مقامات سازمان‌های مسلح کرد ایرانی مستقر در اقلیم کردستان امکان دور هم نشستن و برگزاری جلسات و نشست و تنظیم قرارها و در نهایت اعلام ائتلاف را ندارند. کمی دور از حقیقت و واقعیات سیاسی در منطقه و چارچوب اقلیم کردستان عراق است؛ یعنی اگر آمریکا مخالف چنین ائتلافی بود یا برای استفاده از این نیروها برنامه‌ای نداشت، اجازه شکل‌گیری چنین ائتلافی را نمی‌داد. آیا این سازمان‌ها و حتی دولت اقلیم کردستان عراق در شرایط و موقعیتی قرار دارند که با وجود نظرات و دیدگاه‌های آمریکا اقدامی در این حد را طراحی کنند؟ با اجازه دهند که سازمان‌های مستقر در اقلیم کردستان عراق که البته از امکانات و منابع اقلیم کردستان عراق هم استفاده می‌کنند، چنین ائتلافی را ترتیب دهند؟ مگر اینکه استدلال شود این سازمان‌ها بدون جلب نظر و همکاری آمریکا یا مثلاً با هدایت اسرائیل راسا به این نتیجه رسیده بودند و تماس ترامپ با این مسئولان احزاب و سازمان‌های کردستانی به منظور مخالفت با این ائتلاف صورت گرفته باشد. اگر چنین بود و ترامپ مخالفتی با دخالت سازمان‌های مسلح کرد ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق نداشت، تا به امروز این مخالفت به بیرون درز کرده بود و مابازای آن در صحنه سیاسی مشخص شده بود و دولت اقلیم دفاتر و امکانات این سازمان‌ها را محدود و محصور می‌کرد. به هر حال تماس ترامپ با مسئولان سازمان‌های مسلح کرد ایرانی موضوع بسیار بااهمیتی است و نباید از نظر تحلیلی به آن کم‌توجهی یا بی‌توجهی شود. حتی اگر اسرائیل هم عامل اصلی این رویداد باشد، باز بدون توافق آمریکا امکان عملی شدن نداشت. آمریکا در این‌باره نیم‌نگاهی هم به مواضع ترکیه دارد.

ک اگر نظر آمریکا و اسرائیل استفاده و تجهیز این سازمان‌ها باشد، آیا در چنین شرایطی این سازمان‌ها می‌توانند درون ایران به صورت راهبردی موازنه نیروهای سیاسی و موازنه قدرت را تحت تأثیر قرار دهند؟

درحال حاضر پاسخ به این پرسش ساده نیست و فقط یک پاسخ صریح وجود دارد که اگر استفاده از احزاب و سازمان‌های مسلح کرد ایرانی مدنظر آمریکا باشد، ماهیت آن، استفاده ابزاری و به عنوان سرباز پیاده آمریکا و اسرائیل است.

از بُعدی دیگر باید توجه کرد که همچنان موازنه جنگ به‌گونه‌ای تغییر نکرده که ساختار نیروی مسلح در ایران را به صورت جدی تضعیف و تحت تأثیر قرار داده باشد. نیروهای مسلح ایران همچنان در حال مقابله با آمریکا و اسرائیل هستند و البته حملاتی هم به مراکز سازمان‌های مسلح کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق داشته‌اند. در چنین شرایطی مشخص است که در صورت نفوذ احتمالی این سازمان‌ها به داخل کشور، با واکنشی شدید از سوی ایران علیه این سازمان‌ها یا حتی دولت اقلیم کردستان عراق همراه باشد. همچنین گروه‌های هم‌پیمان ایران در عراق نیز ممکن است واکنش‌هایی داشته باشند که ابعاد آن همچنان نامشخص است. بعید می‌دانم دولتگردان اقلیم کردستان عراق در پی آن باشند تا با اجازه به سازمان‌های مسلح کرد ایرانی برای انجام عملیات نظامی در داخل ایران در شرایط حاضر دنبال درسر برای اقلیم کردستان عراق باشند. وضعیت این روزهای کشورهای جنوب حاشیه خلیج فارس و نیز حملات چند روز اخیر در سازمان‌ها در داخل اقلیم کردستان عراق اقتصاد و امنیت این منطقه را تا حدود زیادی تحت تأثیر خود قرار داده و ادامه و حتی تشدید این دست



از واکنش‌ها اثرات مخرب بیشتری در پی خواهد داشت. حتی ترکیه هم بی‌واکنش نخواهد بود و ممکن است از این رویکرد احتمالی اقلیم کردستان عراق به‌گونه ناامید شود که واکنش پیش‌بینی‌نشده‌ای داشته باشد. نگرانی دیگر اقلیم کردستان عراق، فعال‌شدن هسته‌های تکفیری بر اثر چنین وضعیتی است که می‌تواند منافع اقلیم کردستان عراق را هم تهدید کند.

ک پس به نظر آنان ائتلاف پنج یا شش سازمان کرد ایرانی به جایی نمی‌رسد؟

موضوع اصلی این نیست که در این شرایط بسیار حساس آیا ائتلاف سازمان‌های مسلح پنج‌گانه به‌اضافه کومله مهتدی برای ورود این سازمان‌ها به فاز جنگ مسلحانه و ورود مستقیم به داخل خاک ایران منجر می‌شود یا خیر و آیا به نتیجه‌ای روی زمین می‌رسد یا خیر، بلکه پیش از آن از منظر راهبردی دو مسئله اصلی وجود دارد: نخست اینکه آیا احزاب مسلح کردستان دقیقا می‌دانند برنامه و راهبرد اصلی آمریکا و اسرائیل چیست؟ آیا تغییر رفتار حکومت ایران هدف اصلی است یا تغییر نظام سیاسی؟ آیا هدف اصلی آمریکا و اسرائیل فشار برای تغییر رفتار سیستم سیاسی ایران یا تغییرات ژئوپلیتیک در ایران است؟ اگر هدف تغییر رفتار است، آیا برای تغییر رفتار آمریکا و اسرائیل قصد دارند از این احزاب مسلح به عنوان ابزار فشار و سرباز زمینی استفاده کند؟ اگر برنامه آمریکا تغییرات ساختاری در نظام سیاسی در ایران است آیا قرار است از جریانی که این روزها سر‌زبان‌هاست استفاده کند یا خیر؟ یعنی بازگشت سلطنت به کشور برنامه جایگزینی است یا خیر؟ تا پاسخی دقیق به این پرسش داده نشود، هر نوع اقدام نیروهای مسلح در اقلیم کردستان عراق نوعی خودکشی محسوب می‌شود که تبعات خونین و ویرانگر زیادی هم برای امروز و فردای همه ایران و کردستان در پی خواهد داشت.

نکته دوم هم اینکه این واقعیت روشن است امروز هم دولت جمهوری اسلامی و هم اپوزیسیون اصلی دولت جمهوری اسلامی اگر فقط و فقط یک نقطه مشترک داشته باشند و افکار عمومی ایرانیان در کل کشور هم آن را ضروری و با اهمیت بدانند، مخالفت با فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب و سازمان‌های مسلح در استان‌های مرزی و حفظ تمامیت ارضی است. به عبارت دیگر، این سازمان‌ها باید این نکته کلانوی را در نظر بگیرند که حتی با احتساب هر احتمالی درباره آینده نیروهای سیاسی در ایران فردا، باز اجماع نیروهای اصلی سیاسی در اپوزیسیون و اپوزیسیون بر مخالفت و حتی شدت عمل و برخورد سخت با هر جریان تجزیه‌طلب و قوم‌گرای افراطی است. این نکته از نظر تحلیلی حائز اهمیت بسیار است. وقتی این سازمان‌های نمی‌توانند موازنه نیروی سیاسی در ایران را تحت تأثیر عمیق قرار دهند، در هر حال با واکنش جدی روبرو می‌شوند، پس در آینده چه با تغییر نظام سیاسی و چه با استمرار حیات سیاسی این حکومت، اپوزیسیون و اپوزیسیون اصلی در ایران به‌شدت درباره تمامیت ارضی حساس هستند و در برابر این سازمان‌ها در آینده کوتاه نخواهند آمد. نکته بعدی هم تجربه نوع استفاده ابزاری دولت آمریکا یا حتی اسرائیل از سازمان‌های کرد در منطقه است که عبرت‌آموز است. دولت آمریکا منافع خود را در منطقه قربانی سازمان‌های کردی و رقیب‌های آنان نکرده است. تحولات اخیر سوریه با سرنوشت پ.ک.ک از این نظر مهم است. حتی عدم همراهی آمریکا با استقلال اقلیم کردستان عراق را هم باید در این راستا بررسی و ارزیابی کرد. با این وصف، ورود سازمان‌های مسلح به فاز جنگ مسلحانه چه آورده‌ای برای این سازمان‌ها و به‌ویژه شهروندان مردم عادی در کردستان و غرب ایران خواهد داشت؟

ک واکنش دولت‌های منطقه از جمله ترکیه به این ائتلاف چه خواهد بود؟ در صورت ورود این سازمان‌ها به فاز مسلحانه در داخل ایران، ترکیه چه خواهد کرد؟

پاسخ به این پرسش چندلر دشوار نیست. ترکیه با هر نوع تحرک سازمان‌های کردی مواجهه سختی خواهد داشت به‌ویژه که در این ائتلاف یکی از شریک و اقرار پ.ک.ک یعنی پژاک حضور دارد. حضور پژاک در این ائتلاف یکی از اشتباهات راهبردی سازمان‌های مسلح کرد ایرانی بود و شاید این حضور هم ناشی از فشار آمریکا و اسرائیل باشد که پژاک را به جمع این سازمان‌های متناقض اضافه کرده‌اند، چراکه ائتلاف بدون پژاک آنها، می‌توانست تا حدودی موجب اطمینان خاطر ترکیه باشد. اما با فرض اخراج پژاک از این ائتلاف هم، دولت ترکیه نسبت با این احزاب نیت‌ها همراهی نخواهد داشت، بلکه عاملی مؤثر در مقابله با آنها خواهد بود و چه بسا تا اذغاف فعالیت این ائتلاف روی زمین، ترکیه کمک اطلاعاتی به دولت ایران و حتی در صورت دستان‌دادن فرصت، ضربه‌زدن به آنان را از طریق نظامی و حمله پهبادی و غیر آن را از دست ندهد. راهی که این ائتلاف باز کرد، دخالت جدی و چندوجهی احتمالی ترکیه در آینده در مقابله با این سازمان‌هاست، از جمله در صورت شکل‌گیری خلا قدرت، اعلام منطقه امن و حائل توسط ترکیه خیلی جدی می‌شود تا به این سازمان‌ها اجازه فعالیت گسترده ندهد. ضمن آنکه در این شرایط خسارات و مخاطرات زیادی هم متوجه شهروندان عریل در غرب کشور و در میان مردمان شریف کرد خواهد شد.

ک منظورتان از این خسارات چیست؟ واضح‌تر این «احتمال» را تشریح کنید؟

در صورت ورود نیروی مسلح از هر نقطه مرزی به داخل کشور، درگیری‌های نظامی شدیدی به وقوع خواهد پیوست. در این صورت جان، مال و امنیت شهروندان غیرنظامی که در این میان قرار گرفته‌اند به خطر خواهد افتاد. شمار زیادی کشته و شمار بیشتری نیز آواره و مجروح می‌شوند. اگر نیروهای دولتی هم به‌سرعت موفق به شکست این سازمان‌ها نشوند، مثلاً به دلیل حمایت آمریکا و اسرائیل از هوا یا به شکل دیگری، درگیری زمینی شکل بگیرد، باز امنیت شمار بیشتری از اهالی ساکن در شهرها و روستاهای غرب کشور به خطر خواهد افتاد. در این شرایط ترکیه هم واکنش‌های خاص خود را خواهد داشت و به این ترتیب افزون بر آوارگسی ده‌ها هزار نفری از هم‌وطنان کردستانی و تلفات بسیاری که خدای ناکرده از غیرنظامیان گرفته خواهد شد، برای شهروهای طولانی عمران، آبادی و توسعه این مناطق هم با مانع سخنی روبرو خواهد شد. فقط برای ذکر مثال در غرب کشور و در میان مردمان شریف کرد خواهد بسیار بزرگی در زندگی روزمره مردم منجر شود و همه جنبه‌های زندگی شخصی، اجتماعی، اداری و اقتصادی را فلج کند. امیدوارم البته چنین بحرانی روی ندهد. این پیامدها فقط آن بخشی است که احتمالا در کوتاه‌مدت روی خواهد داد. در بلندمدت هم با سیستم سیاسی به حیات خود ادامه می‌دهد یا اپوزیسیون جانشین می‌شود؛ در هر دو حال باز اوضاع کردستان با وجود چنین سازمان‌های مسلحی با استمرار بحران نظامی و خون‌ریزی همراه خواهد بود و حتی ممکن است این بحران به اقلیم کردستان عراق هم کشیده شود و در نتیجه حکمرانی محلی در اقلیم هم با بحران ساختاری و وجودی روبرو شود. ترکیه در چنین صورتی به‌سرعت اهداف خود را در ایران و عراق تعقیب خواهد کرد. در این صورت با دخالت عنصر خارجی به‌سرعت رقابت سازمان‌های رقیب هم شکل می‌گیرد و به درگیری و آشوب‌های بیشتری ختم می‌شود. تازه در این صورت و بنا بر تجرب پیشین، نیروی خطرناک و بی‌رحم دیگری هم به اقلیم کوردستان می‌شود. یعنی به‌سرعت گروه‌های مسلح تکفیری از جمله داعش و القاعده و دیگر سازمان‌ها به ایفای



نقش خواهند پرداخت. در این شرایط وضعیت کردستان با دشواری‌های بسیار پیچیده‌ای روبرو می‌شود. ناامنی مزمن نهادینه می‌شود و حتی انتقام‌گیری‌های شخصی و گروهی جانشین عقلانیت می‌شود.

ک درباره گروه‌های تکفیری هم صحبت می‌کنیم. اما در اینجا به نظر شما آیا چنین احتمالاتی توسط سازمان‌های کرد، چه ایرانی و چه عراقی و حتی پژاک و پ.ک.ک مورد توجه قرار نمی‌گیرد؟ آیا برای مواجعه با آن راه‌حلهایی ندارند؟

در هشت دهه گذشته، سازمان‌های کرد ایرانی چه ارزیابی و تحلیلی از روش‌ها و اهداف و ایدئولوژی خود داشته‌اند؟ آیا تاکنون هزینه و فایده اقدامات خود را با دقت بررسی کرده‌اند؟ اگر چنین کرده بودند که امروز همچنان اصرار بر حفظ اسلحه و مبارزه مسلحانه نداشتند. سازمانی که در رُیا و ایدئولوژی سیر می‌کند، آیا امکان دارد بتواند واقع‌بینانه و مبتنی بر فایده شهروندان یکپناه و مردم عادی مهم باشد، چون همه چیز در این سازمان‌ها باید در خدمت سازمان، حزب، رهبری، ایدئولوژی و اهداف سازمانی باشد. این سازمان‌ها در خدمت شهروندان، رفاه، آرامش، امنیت، عمران و آبادی، آیا خلع سلاح پادگان‌های کردستان و غارت اسلحه درست در اولین هفته پس از روی کار آمدن دولت مهندس بازرگان و پیامدهای خونین آن توسط این احزاب تاکنون ارزیابی و بررسی شده است؟ آیا مسئولیتی در برابر خون‌های بر زمین ریخته به گردن گرفته‌اند؟ آیا تاکنون مشخص شده چرا بر اثر جنگ و درگیری کومله و دموکرات در دهه‌های گذشته چقدر تلفاتی وارد شده و چندصد نفر از پیشمرگان دو حزب و سایر شهروندان عادی کشته شده‌اند؟ آیا تاکنون مشخص شده چرا حزب دموکرات کردستان و دکتر قاسملو به اتحاد با سازمان مجاهدین خلق و گروه رجوی دست زد و اهدافش چه بود و طی چند سال اتحاد چه روی داد و چرا از این گروه بعدها جدا شد؟

همچنین سازمان‌های مسلحی که در این ائتلاف شرکت کرده‌اند، بعید است به این ارزیابی پرداخته باشند که در صورت حضورشان درون کشور، چه پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی در کردستان و دیگر استان‌های کردنشین غرب کشور ممکن است روی دهد. یعنی به‌جای نگاه مقطعی و کوتاه‌مدت، به‌صورت ریشه‌ای و بلندمدت به عواقب و پیامدهای رویکرد خود بپردازند و رویکردهای خود را به‌صورت مسئولانه ارزیابی کنند.

ک درباره حضور احتمالی جریان‌های تکفیری در این میانه چه تحلیلی دارید؟

این نکته بسیار حساس را از نظر عملیاتی و میدانی نیز باید در نظر داشت. یک ضلع بسیار سه‌منگاک احتمالی دوره بی‌ثباتی و هرج‌ومرج در غرب ایران، جریان‌های تکفیری است. شمار درخور توجهی از نیروها و هسته‌های حقیقه تکفیری در منطقه – چه در داخل ایران و چه در دیگر مناطق هم‌جوار کشور- حضور دارند. این جریان‌ها دارای تجارب فراوانی از فعالیت در عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان در دهه‌های گذشته هستند. بسیاری از اینها آموزش دیده میدانی هستند. آموزش تشکیل هسته‌های عملیاتی را پشت سر گذاشته و حتی برخی افزون بر نقش مؤثر در فعالیت‌های میدانی، رهبری منطقه وسیعی را در دست داشته‌اند. این نوع جریان‌های تکفیری در بخش‌هایی از کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و حتی جنوب شرقی کشور حضور دارند و البته به محض بهم‌خوردن بنیان نظم و ثبات، از دیگر کشورها هم طبق تجارب پیشین، رهسپار مناطق بحرانی می‌شوند. یازگیری این نیروها و اقدامات نام‌ساز آنها با ازبختی بیشتری هم همراه است؛ چون گروه‌های تکفیری به‌شدت عقیدتی هستند. یک تیم صدنفره از این گروه‌ها می‌تواند به اندازه یک لشکر، منطقه‌ای را ناامن کرده و خسارات وارد کند. بنده در عراق شاهد بودم که چگونه یک چندصدنفره از این جریان‌ها، کل عراق و اقلیم کردستان عراق را بی‌ثبات کردند. در هر حال درباره ائتلاف آتی چگونگی توازن قوا در منطقه نباید این تغییر یعنی حضور جریان‌های تکفیری از جمله داعش، القاعده و جریان‌های ریز و درشت دیگر را در غرب ایران از نظر دور داشت. اگر امروز شهروندانی را که در اعتراضات اخیر کشور شرکت داشتند و بازداشت شده‌اند کنار بگذاریم، بالاترین میزان بازداشتی‌های سیاسی و امنیتی کشور مربوط به گروه‌های تکفیری است که بخش بزرگی از آنان هم متأسفانه از میان هم‌وطنان کرد ایرانی است. بالاترین میزان احکام اعدام امنیتی و سیاسی همه گذشته در کشور هم به این گروه‌ها بازمی‌گردد. پس این گروه‌ها هم یکی از اصلاخ اصلی جنگ داخلی احتمالی در منطقه خواهند بود و قابلیت میدانی درخور توجهی دارند که هر آن و در صورت آماده‌بودن شرایط، ممکن است فعال شود.

ادامه مطلب را در سایت شرق بخوانید.

<p>آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقده سند رسمی</p>
<p>نظر به دستور مواد ۱ و ۱۳۹ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقده سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷ و برابرای ۱۳۴۶۰۱۰۳۰۱۰۳۰۱۰۳۰۱۴۰۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی آقای /خانم نگار غالب فرزند اکبر نسبت به شناساندگ یک قطعه زمین با کاربری باغی زراعی به مساحت ۳۱۰ مترمربع به شماره پلاک ۱۸۲ فرعی از ۱۸ – اصلی واقع در قریه کیابسر بخش ۱ خریداری شده از آقای و خانم مهدی اصغرپور مالک رسمی محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقده سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی /سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت مویکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت میبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .</p> <p>م.الف. ۲۱۳۰۲۸</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴ / ۱۲ / ۰۲</p> <p>تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۴ / ۱۲ / ۱۶</p>
<p>عین تیموری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان</p>